

دکتر (مصدق) دکتر گل‌مراد مرادی

هر سال بمناسبت سالروز 28 مرداد مقاله‌های انتشار میابد. جریانهای سیاسی و روشنفکران با دو دیدگاه کاملاً متضاد به این روز مینگرند. یعنی **دو 28 مرداد** وجود دارد

1 - دسته‌ای معتقدند روز 28 مرداد دکتر مصدق بر ضد محمد رضا شاه کودتا نموده است!

2 - دسته‌ای بر این باورند شاه روز 28 مرداد علیه دکتر محمد مصدق کودتا کرده است!

چند روز قبل هم بمناسب همان سالروز 28 مرداد در چند سایت اینترنتی مقاله‌ای بقلم آقای دکتر گل‌مراد مرادی زیر عنوان **(کودتای 28 مرداد سال 1332 خورشیدی در ایران)** انتشار یافت. به قسمتی از مقاله بنگریم:

{.... من تا سال 1983، یعنی تا قبل از بررسی اسناد وزارت خارجه انگلستان در لندن در مورد کودتای 28 مرداد، شادروان دکتر مصدق را فقط یک قاجار زاده و فئودال و سیاستمدار لیبرال می شناختم و به خود بارها می گفتم ایشان و نظیر ایشان فقط به منافع طبقاتی خود می اندیشند و هیچ به فکر جامعه در کل نیستند. آنچه که به مصدق مربوط می شد، کاملاً حق با من نبود. مثلی است معروف که گویند: اگر میخواهی شخصیتی را خوب بشناسی، بین دشمنان در باره ی او چه می گویند.}

در روابط بین انسانها، جوامع، دولتها و کشورها، هرکاری شدنی است و به نظر من هر عمل نا شایست و غیر انسانی هم می تواند بخشودنی باشد، اما هرگز فراموش شدنی نیست. مثلاً کوره های آدم سوزی هیتلر، بمباران ناکا زاکی و هیرو شیمای، قتل عام کمونیستها در اندونزی، کودتای آمریکایی در ایران و شیلی، جنایت پل پت در کامبوجیا، قتل عام زندانیان سیاسی در سیاه چالهای جمهوری اسلامی، بویژه قتل عام سالهای 1362 و 1367 که امروز بیش از 19 و 24 سال از آنها می گذرد. اینها و دهها اعمال غیر انسانی دیگر، نمی توانند هرگز از نظرها محو شوند. و نیز تبلیغاتی برای تحکیم پایه های دیکتاتوری محمد رضاشاه، و از سوی دیگر بخشی از اهداف اصلی نگارندگان، منفی جلوه دادن و کم رنگ نمودن جنبش ملی شدن نفت به رهبری شخصیت نامدار ایران دکتر محمد مصدق. منتها بنا به برخورد دمکراتیکی که نسبت به دگراندیشان، در افکار مصدق و برخی از یارانش وجود داشت آزادی های نسبی به همه‌ی گروهها و احزاب و از جمله به حزب توده ایران بمنظور فعالیت سیاسی، تا حدودی داده شده بود. ... بدین ترتیب و به این ارزانی آمریکاییان که خود هم باورشان نمی شد توانستند به نا حق یک دولت قانونی و مردمی را بر کنار کنند و 25 سال دیگر بر جان و مال خلقهای ایران حاکم باشند و رژیم مستبد محمد رضاشاه را بر مسند قدرت حفظ کنند.

نویسنده مقاله فوق، شاه را دیکتاتور میدانند، مدت 30 سال هم مصدق را یک قاجار زاده و فئودال و سیاستمدار لیبرال دانسته که فقط به منافع طبقاتی خود اندیشیده و به فکر جامعه نبوده است. بعداً "در گنجینه دولت بریتانیا در لندن گنج گرانبهای مصدق را کشف کرده و در مقاله خویش به مردم معرفی مینمایند.

این امر کاملاً طبیعی است که انسان اشتباه میکند، آقای دکتر مرادی هم در رابطه با مصدق مدتی اشتباه کرده‌اند! حال بهتر است این گنج گرانبهای را که ایشان کشف نموده‌اند به سنگ محک کشیم تا عیار آن مشخص گردد.

مصدق آزادیخواه، یا مصدق آزادیپوش؟

چ نا عادلانه است، آرام را لقب شرور عطا کرد چ بد است، بد را هم لقب نیک نثار کرد چ زیبا ست، برای هر کس کارنامه واقعی نوشت نه وسف زیاده نمود و نه ناروا و زشت	چ ناپه‌وایه، به هیدی بلّی هه‌راش چ به‌ده، به به‌دکاریش بلّی پیاوچاک و باش چ جوانه، هه‌ر که‌سه کارنامه‌ی خۆی به‌یته ده‌ستی نه وه‌سفی زیاده له که‌س که‌ی، نه ناپه‌وایش هه‌لبه‌ستی
---	--

مطابق مقاله دکتر گل‌مراد مرادی و **همچنین سیستم سیاسی حاکم بر ایران**، ایران در دوران پهلویها زندانی پیش نبوده است! به لحاظ زندگی عادی، فقر و تنگدستی و نابرابری چهره واقعی مردم ایران بود! به لحاظ ملی هم اینرا میدانیم در این نقشه‌ای که بنام ایران در نقشه سیاسی جهان دیده میشود، **چند ملت** وجود دارد، اما سیستم فاسیسم نمایانگر آن بوده و هست.

قبل از اینکه دکتر مصدق بمقام نخست وزیری ایران نایل گردند، **(رزم آراء)** در تیر ماه 1329 به نخست وزیری ایران منصوب گردید.

{**رزم آراء در تاریخ 22 / تیر 1329 ماده واحده‌ای بشرح زیر مبنی بر تشکیل انجمنهای ایالتی را به مجلس شورای ملی عرضه داشت: ماده واحده - بدستور اصل 90 - 91 - 92 - 93 متمم قانون اساسی از این تاریخ، آن قسمت از امور اجتماعی که با منافع عمومی محلی مردم کشور ارتباط دارد توسط انجمنهای محلی که در هر یک از واحدهای موجود کشور تشکیل میشود اقدام و اداره خواهد شد.**

تبصره: سازمان اداری هر یک از استانها، شهرستانها، بخشها، دهستانها، دهات و طرز انتخابات و تشکیل انجمنها و شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و وظایف انجمن و چگونگی انجام آنها و طریقه انتخابات استانداران، فرمانداران و کلیه مامورین محلی و دولتی و جزئیات دیگر به موجب آئین نامه‌ای که به تصویب کمیسیون مربوطه میرسد، اجرا خواهد شد. از تاریخ نشر آگهی انتخابات انجمن های شهرداری موجود منحل و وزارت کشور قائم مقام تمام انجمنها خواهد بود.

کتاب مصدق و نهضت ملی ایران - انتشارات مصدق ص 73، 74، 75، 76، 102، 116.

رزم آراء در اسفند همان سال کشته شد، سپس دکتر مصدق به نخست وزیری رسید.

مصدق کیست؟

{دکتر محمد مصدق در سال 1258 هجری شمسی در تهران بدنیا آمد.
قبل از جنگ جهانی اول در یکی از شهرهای سویس بنام " نوشاتل " دکترا را در علم حقوق گرفته است. در تحصن دربار بود که جبهه ملی به رهبری مصدق تشکیل شد. مصدق روز 12 اردیبهشت 1330 بعنوان نخست وزیر کابینه خود را به مجلس معرفی کرد و برنامه اصلی دولت خود را تقدیم مجلس نمود.) ص 3، 6، 60، 89 کتاب مصدق و نهضت ملی ایران. اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا. **خرداد 1357**.

قبل از آنکه به موقعیت سیاسی مصدق یعنی **رهبری جبهه ملی** و موقعیت دولتی ایشان یعنی **نخست وزیری ایران** بنگریم، باید به موقعیت **شغلی** ایشان توجه نمایم. ایشان **درس حقوق** را فرا گرفته، در آن رشته موفق به اخذ **درجه دکترا** گردیده است. دانشنامه رشته‌ای که ایشان بدست آورده‌اند، اساس و پایه زندگی انسان را تعیین نموده و مینماید و آن **حقوق است، حقوق انسان!**

دوران نخست وزیری مصدق

مصدق در روز 12 اردیبهشت برنامه اصلی دولت خود را به مجلس تقدیم میکند. به چند لایحه آن بنگریم که چنین است:

- {-} لایحه افزایش اعتبار بودجه وزارت فرهنگ برای اجرای قانون تعلیمات اجباری تعلیم و تربیت اطفال عشایر.
- لایحه منع قطع درخت و صدور چوب گردو و دریافت عوارض از چوپ های صادراتی.
- لایحه در امور فرهنگی و حمایت فرهنگیان و تعلیمات اجباری - دانشگاه.
- لایحه اصلاح ترفیعات ارتش.
- لایحه تصفیه ارتش.

ص 96 - 97 - 100 کتاب مصدق و نهضت ملی ایران. اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا.

در چند سطر بالا به آن مسئله اشاره گردید، که در ایران چند ملت وجود دارد، ولی فارسیسم نمایانگر آن میباشد، دکتر مصدق بعنوان **نخست وزیر ایران**، **نخست وزیری** که دارای دانشنامه حقوق است و خود را نیز **آزادیخواه** میدانند، نه آنکه در صدر رفع این تبعیض ملی و تبعیض زبانی اقدامی نمایند، بلکه **بودجه وزارت فرهنگ برای اجرای قانون تعلیمات اجباری تعلیم و تربیت اطفال عشایر را اضافه مینمایند.**

این نخست وزیر آزادیخواه و این **دکترای حقوق** گرفته ما به **قطع درختان** توجه مینمایند، ولی به قطع زبان ملت‌های بلوچ، ترک، ترکمن، عرب و کرد که زبان خود **دکتر گل‌مراد** نیز یکی از آنها میباشد، نه آنکه توجه مینمایند، بلکه **بودجه آموزش اجباری**، یعنی همان **زبان فارسی** را اضافه مینمایند. جناب نخست وزیر به **اصلاح ترفیعات ارتش و تصفیه ارتش** میانیدیشند، اما به ستم ملی بر ملتها فوق در ایران فکر نمیکنند.

در چند سطر بالا، طرح نخست وزیر (رزم آراء) بنام (ماده واحده) را مطالعه نمودیم. در این طرح اختیاراتی در حدود **انجمنهای محلی** برای مردم در نظر گرفته شده است. حال به برخورد مصدق به آن طرح بنگریم که چنین میگویند:

{،}، **طراحان واقعی ماده واحده یعنی بیگانگانی که جناب رزم آراء در حمایت آنان به ریاست الوزرای منسوب شده بود در حقیقت با طرح ماده واحده در پوشش ظاهر فریب قانون اساسی در صدد متلاشی و تجزیه ایران یعنی اجرای همان قرار داد 1907 و تصمیمات کمیسیون سه جانبی بودند، بخصوص تنظیم آئین نامه اجرائی انجمن ها منوط به تصویب کمیسیونی میشد که طبعاً با در نظر گرفتن اوضاع حاکم اعضایش را افراد معلوم الحالی تشکیل میدادند و وزارت کشور که رزم آراء اداره آنها بر عهده داشت.**

- طرح رزم آراء طرح تجزیه ایران و تشکیل خودمختاری در ایالات است.

- مادامیکه مردم نتوانند نمایندگان شهر را خود انتخاب کنند، تشکیل انجمنهای ایالتی سبب خواهد شد که یک دستگاه فاسد دیگر در مملکت به نفع بیگانگان بکار افتد و تمامیت و استقلال مملکت را دچار خطر سازد.

- چون افکار عمومی دنیا اجازه نمیدهد، عهدنامه‌ای بصورت قرارداد سال 1907 تنظیم شود، میخواهند با تصویب این ماده ایران را به دول خودمختار تقسیم کنند و بعد (...).

از نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی. ، ،

کتاب- مصدق و نهضت ملی ایران - انتشارات مصدق لایپره 73.74، 75، 76، 102.

اگر با دید واقعی به اختیارات **انجمنهای محلی** که رزم آراء مطرح نموده‌اند بنگریم، اختیاراتی در حدود کدخدایی میباشد. ولی این **نخست وزیر و حقوقدان** ما به جای آنکه طرح را افشاء نموده و دفاع از حقوق واقعی ملت‌ها یعنی **(حق تعیین سرنوشت ملت‌ها در سرنوشت خویش)** بنمایند، از همان جملات تجزیه ایران و استقلال و تمامیت ارضی ایران که چاشنی سخنرانی پهلویها و هر دیکتاتور دیگری است، استفاده مینمایند.

راستی اختلاف فکری مصدق " آزادیخواه و حقوقدان" با پهلویهای " دیکتاتور کدام است؟

خلوت دل نیست جای صحبت اصداد دیو چو بیرون رود فرشته در آید : حافظ
 با پوزش از حافظ تیزبین و با توجه به فرموده‌های مصدق باید گفت:
خلوت دل نیست جای صحبت اصداد دیو سیاه چو بیرون رود دیو سفید در آید!

در پایان، دو سؤال پیرامون رویدادهای کردستان و سومین 28 مرداد

**کردستان بهنگام اجرای فرایض
 فتوای جهاد سال 1358 و ...**



**سومین
 28 مرداد 1358**



هه‌له‌بجه



سؤال اول:

ایشان برای بررسی رویدادهای ناگوار جهانی مطالعات وسیعی را در دنیای آلمان، ژاپون، اندونزی، شیلی و کامبوج نموده‌اند.

هه‌له‌بجه احتیاجی به مطالعه ندارند. مورد توجه قرار نمی‌گیرد، چرا؟! :

سؤال دوم - پیرامون سومین 28 مرداد

* روز 28 مرداد 1358 رهبر مذهبی ایران آیت‌الله خمینی فتوای جهاد ملت کرد را اعلام نمودند.

* پیام رئیس‌جمهور ایران برای سربازان ... : تا سرکوب کردستان حق ندارید بند پوتین‌ها باز نماید.

* آیت‌الله طالقانی بهنگام خطبه نماز جمعه در تلویزیون تهران فرمودند:
 در صورتیکه لازم باشد، اسلحه دست گرفته، برای اجرا اوامر جهاد بکردستان خواهیم رفت

آنچه را که زمامداران ایرانی در سالهای 1358 تا 1362 در کردستان انجام دادند، به لحاظ کیفیت خیلی وحشتناکتر، به لحاظ کمیت خیلی بالاتر بود، ولی نادیده شد، چرا؟! :